

بررسی نقاط ضعف و ناکارآمدی نظام تقنینی در مواجهه با بروز پدیده ارتشا

محمد سجاد نصیری^۱

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳ پذیرش ۱۴۰۲/۰۲/۲

چکیده

جرایم رشوه و ارتشا از جمله برجسته‌ترین جرائم و مفاصد اقتصادی محسوب می‌شوند. این جرائم، علاوه برداشتن بُعد اقتصادی، به نظام اقتصادی، رقابت سالم و آزاد صدمات و خسارات بی‌شماری وارد نموده و جنبه‌های امنیتی و آرامش عمومی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند و به اعتماد عمومی نسبت به دولت و نهادهای دولتی آسیب می‌رسانند. ارتشا یکی از جرائم اداری برجسته است. برای مقابله با این جرم، مانند مبارزه با هر بیماری دیگری، باید علت فساد شناسایی شده و اقدامات مناسبی برای ریشه‌کن کردن آن اتخاذ شود. یکی از علت‌های اصلی بروز ارتشا، وجود مشکلات و ضعف در نظام قانونی است که این مطالعه در پی اثبات وجود ارتباط میان این دو است. بروز ارتشا در تشکیلات اداری به واسطه نقص و ضعف‌های مشاهده شده در نظام تقنینی، می‌تواند به عواملی مانند عدم شفافیت قوانین، پیچیدگی مقررات، تورم نظام قوانین، عدم تطابق قوانین با نیازهای روز جامعه، نبود مقررات قانونی لازم برای ثبت دارایی‌ها و اعلام آن‌ها به قوه قضائیه، عدم حاکمیت نظم در قوانین اقتصادی و نقایص دیگر نظام تقنینی بستگی داشته باشد. برای کاهش این پدیده شوم، لازم است نقایص و ضعف‌های نظام تقنینی برطرف شده و زمینه اثرگذاری آن‌ها در بروز ارتشا از بین برود. روش تحقیق حاضر به‌مانند اکثر تحقیقات در حوزه علوم انسانی، توصیفی-تحلیلی است؛ بدین‌صورت که از توصیف و تشریح موضوعات ناظر بر مسئله اساسی تحقیق با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده و تحلیل آن‌ها، برای ارائه پاسخ‌های مناسب و دستیابی به اهداف تحقیق بهره می‌برد.

کلمات کلیدی: رشوه، فساد، رقابت، نظام قانونی، امنیت عمومی، سلامت اقتصادی.

^۱ کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، mohamadsajad.nasiri@gmail.com

مقدمه

در دهه‌های اخیر، جرائم و مفسد اقتصادی مانند ارتشا به دلیل منافع مالی بالایی که با خود به همراه دارند، در سطح جهان رشد قابل توجهی داشته‌اند. این جرائم با استفاده از روش‌ها و راهکارهای متنوعی از جمله جرائم سازمان‌یافته فراملی، قاچاق مواد مخدر و تسلیحات و غیره، به مرتکبان منافع مالی زیادی را می‌رسانند. به همین دلیل، قانون‌گذاران ایرانی مجبور شدند در سال‌های اخیر، فساد را به‌طور رسمی تعریف کنند. طبق بند الف ماده یک قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، فساد به‌عنوان هرگونه فعل یا ترک فعلی که به‌صورت فردی، جمعی یا سازمانی توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی عمداً و باهدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری انجام می‌شود و قوانین و مقررات کشوری را نقض می‌کند و ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع، سلامت و امنیت عمومی یا جمعی از مردم وارد می‌کند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تعریف قانونی از فساد، با تعریف کنوانسیون مریتا تطابق ندارد، اما مصادیق فساد را به‌طور جامع‌تری نمایان می‌سازد؛ بنابراین، جرم ارتشا یکی از جرائمی است که به دلیل تأثیرگذاری آن در نظام اقتصادی، نه‌تنها در زمره جرائم و مفسد اقتصادی قرار دارد، بلکه می‌توان آن را از مهم‌ترین مصادیق فساد مالی و اقتصادی دانست.

جرائم رشوه و ارتشا از جمله برجسته‌ترین جرائم و مفسد اقتصادی محسوب می‌شوند. این جرائم به‌نظام اقتصادی، رقابت سالم و آزاد، صدمات و خسارات بی‌شماری وارد نموده و جنبه‌های امنیتی و آرامش عمومی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند و به اعتماد عمومی نسبت به دولت و نهادهای دولتی آسیب می‌رسانند. ارتشا یکی از جرائم اداری برجسته است. برای مقابله با این جرم، مانند مبارزه با هر بیماری دیگری، باید علت فساد شناسایی شده و اقدامات مناسبی برای ریشه‌کن کردن آن اتخاذ شود. یکی از علت‌های

اصلی بروز ارتشا، وجود مشکلات و ضعف در نظام قانونی است که این مقاله در پی اثبات وجود ارتباط بین ضعف نظام قانونی و بروز ارتشا است. بروز ارتشا در تشکیلات اداری به واسطه نقص و ضعف‌های مشاهده شده در نظام تقنینی، می‌تواند به عواملی مانند عدم شفافیت قوانین، پیچیدگی مقررات، تورم نظام قانونی، عدم تطابق قوانین با نیازهای روز جامعه، نبود مقررات قانونی لازم برای ثبت دارایی‌ها و اعلام آن‌ها به قوه قضائیه، عدم حاکمیت نظم در قوانین اقتصادی و نقایص دیگر نظام تقنینی بستگی داشته باشد. برای کاهش این پدیده شوم، لازم است نقایص و ضعف‌های نظام تقنینی برطرف شده و زمینه اثرگذاری آن‌ها در بروز ارتشا از بین برود. همان‌طور که در بسیاری از تحقیقات در حوزه علوم انسانی رایج است. این روش با بررسی و تشریح جزئیات مرتبط با مسئله اصلی تحقیق و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، به‌عنوان پاسخ مناسب و دستیابی به اهداف تحقیق استفاده می‌کند. داده‌ها و اطلاعات موردنیاز برای این تحقیق از منابع کتابخانه‌ای (شامل کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات و نشریات مرتبط) تأمین شده است.

بررسی جرم ارتشاء

جرم ارتشا تاریخچه‌ای طولانی در زندگی انسان داشته و همواره باعث انعکاس اندیشه‌های عمومی شده است، به‌ویژه در میان کارکنان دولت و نمایندگان دولت (ساک، ۱۳۹۰، ص ۴۰۰). در این رویکرد، ارتشا به معنای دریافت وجه، مال یا سند تسلیم وجه یا مال از سوی مقامات دولتی یا کارکنان مشغول در نهادهای عمومی و افراد دیگری که در قانون برای انجام یا عدم انجام وظایف مرتبط با مدیریت یا سازمان محل اشتغال آن‌ها ذکر شده‌اند، تعریف شده است (میر محمدصادقی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۵). بدیهی است که شیوع جرم ارتشا در هر جامعه‌ای، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. از این‌رو اهمیت این آسیب‌ها، ضرورت توجه ویژه به این جرم و اهمیت دادن به بحث پیشگیری از جرم ارتشا را توجیه می‌کند.

در حقوق ایران، نظرات مختلفی درباره جرم ارتشا بر اساس مبنای فقهی وجود داشته است. برخی از نظریات، ارتشا را مختص قضات می‌دانند، در حالی که نظریات دیگر آن را به‌غیر از قضات نیز توسعه می‌دهند. این تفاوت نظرها تأثیری در اراده قانون‌گذار داشته و در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری که در سال ۱۳۶۷ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است، با عبارت در حکم ارتشا این تمایز را نشان می‌دهد. با بررسی سوابق فقهی، به نظر می‌رسد هیچ ایراد خاصی در تسری این جرم به‌غیر از قضات وجود ندارد و می‌بایست به روی رویکرد پیشگیرانه تمرکز شود و مفهوم ارتشا به‌صورت گسترده‌تر تعریف شود (ملازمیان، ۱۳۸۶، صص ۸۴ و ۸۳). در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، جلوگیری از جرم به‌عنوان یکی از محورهای اساسی وظایف قوه قضائیه تلقی می‌شود (صفاری، ۱۳۹۰، ص ۲۷۰). با توجه به مفهوم کلی فساد اقتصادی و تأکید قانون اساسی بر رویکرد پیشگیری، نظام حقوقی ایران ملزم است تکنیک‌هایی را برای پیشگیری از پدیده‌های مخرب و مظاهر فساد مانند ارتشا را هماهنگ و انسجام بخشیده و ارائه نماید.

مفهوم رشوه، رشا و ارتشا

از نظر لغوی، رشوه به معنای کود و خاشاک یا طناب است و به‌صورت مصدر و اصطلاحاً ناقص واوی ظاهر می‌شود. مصدر یرشی به معنای رشوه دادن به کار می‌رود و ارتشا به‌عنوان مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال به معنای رشوه گرفتن یا قبول رشوه کردن است. اسم فاعل آن در باب ثلاثی مجرد راشی و در باب افتعال مرتشی است (المنجد، ۱۳۶۵، ص ۴۲۲). برخی منابع مانند فیروزآبادی در قاموس و صاحب نیل الارب، رشوه را جعلی و غلط دانسته‌اند. از نظر لغوی، رشوه به معنای چیزی است که به کسی داده می‌شود تا عمداً کاری را برخلاف وظیفه خود انجام دهد، حق کسی را ضایع کند یا حکمی را برخلاف حق و عدالت صادر کند (عمید، ۱۳۶۴، ص ۵۲۹).

ابن منظور در تحلیل معانی و کاربردهای رشوه و مشتقات آن، به معنای طناب، ریسمان دلو، دراز شدن گردن جوجه برای گرفتن غذا از مادرش، اتصالات سیارات، رشد شاخه حنظل، طلب شیر توسط کودک شیرخواره اشاره می‌کند. او می‌نویسد که یک وجه مشترک وجود دارد و آن امتداد داشتن و متوسل شدن است و این بامعنای اصطلاحی رشوه که نوعی توسل برای رسیدن به هدف است، بی‌ارتباط نیست (ابن منظور، ۱۴۱۷، ص ۷۵۳). رشوه به معنای دادن مال به مأمور رسمی یا غیررسمی دولتی یا بلدی به منظور انجام کارهای اداری و قضایی است، حتی اگر آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد. ممکن است مال مستقیماً توسط گیرنده دریافت شود یا به واسطه شخص دیگری به دست آید. در فقه رایش، واسطه را راشی، دهنده مال را راشی و گیرنده مال را مرتشی می‌نامند. شرط تحقق رشوه، تبانی و توافق گیرنده و دهنده برای دادن و گرفتن رشوه است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۳۰). با توجه به مجموع اقوال، می‌توان استنتاج کرد که رشوه چیزی است که به منظور از بین بردن حق یا اثبات باطل مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، نگاه و محتوای این اقوال به حرمت و ناخوشایندی رشوه اشاره دارد.

سیر شکل‌گیری قانون ارتشاء در ایران کنونی

با ظهور دولت مدرن، تحولات سیاسی و اجتماعی سریع در ایران و تغییرات در ارزش‌ها و هنجارها، جامعه ایران از زمان انقلاب مشروطه تاکنون با دگرگونی‌های گسترده‌ای روبرو بوده است. این تغییرات به همراه توسعه مادی جامعه، تغییراتی در سبک زندگی (مانند رشد شهرنشینی) و روابط اجتماعی به وجود آورده است که منجر به ایجاد شکاف‌ها و ناهمسانی‌ها در وضعیت فکری و اجتماعی ایران شده است. به وجود آمدن طبقه دیوانی، تغییر در طبقات اجتماعی (به وجود آمدن طبقه متوسط جدید شهری)، تغییر در نظام اقتصادی (که توزیع مناسب ثروت را تحت تأثیر قرار داده است)، تغییر از

نظام سیاسی استبدادی به نظام مشروطه سلطنتی و غیره، نمونه‌هایی از تغییر ساختار قدرت فرهنگی و اجتماعی ایران هستند که در طول بحران‌های داخلی و خارجی، مانند جنگ جهانی اول و دوم، رخ داده است. با این تحولات اجتماعی و سیاسی، قدرت و ثروت به نظام بروکراسی مدرن وابسته شده است که باعث بروز ناهنجاری‌های اجتماعی (به‌ویژه فساد) در جامعه مدرن ایران شده است. به همین دلیل، قانون‌گذاران نیز در راستای شناسایی این ناهنجاری‌های اجتماعی و حفظ نظم عمومی و عدالت، قوانین متعددی را برای مبارزه با فساد در قالب قانون مجازات عمومی تدوین نموده‌اند. با برآمدن انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک ایدئولوژی خاص و همچنین شرایط ناپایدار حاصل از جنگ، شرایطی برای برخی افراد پدید آمد که با سوءاستفاده از این شرایط به امتیازات خاصی در نتیجه بروکراسی اداری دست‌یافته‌اند. از این رو قانون‌گذاران تلاش کردند که در دوره‌های مختلف، قوانین متنوع و با رویکردهای تشدیدکننده‌تری را برای مبارزه با این فساد ابداع کنند (تبشیری و آهنگری، ۱۴۰۱، ص ۶۲). البته از منظر نویسندگان، حاکمیت قانون تنها دارای بازدارندگی نیست، بلکه ساختار اجتماعی نیز ناپذیرا به نظر می‌رسد. در واقع، در شرایط فعلی، برخی از نهادهای سیاسی و اجتماعی، اطاعت از قوانین را نادیده می‌گیرند و حتی در برخی موارد، این نقض قوانین در رسانه‌ها و حتی نهادهای آموزشی نیز رخ می‌دهد.

تحول در مواجهه قانونی با ارتشا در مقررات ایران

با توجه به توصیفات که ارائه شد، می‌توان به این نتیجه رسید که جرم ارتشاء یک جرم عمومی است که امکان گذشت از شاکی خصوصی را ندارد. این نکته بسیار مهم است و اهمیت این جرم را نشان می‌دهد. در گذشته، قوانین مرتبط با جرم رشوه (دادن رشوه) و ارتشاء (گرفتن رشوه) در مواد ۱۳۹ تا ۱۴۷ قانون مجازات عمومی و ماده‌واحد مصوب سال ۱۳۰۸ شمسی تعریف شده بود. در سال ۱۳۶۲، این قوانین توسط مجلس شورای

اسلامی (گروه قضایی) بازنگری شدند. قانون مصوب سال ۱۳۶۲ نیز با تصویب قانون دیگری موردبازنگری قرار گرفت. در قانون اخیر که در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۶۷ به تصویب رسید، مجازات سخت‌تر شدند و شمول قانون نیز از کارمندان دولتی، قضایی، شهرداری‌ها و... فراتر رفت و نیروهای نظامی و غیره را نیز در بر گرفت. در تاریخ بیست‌وسوم خرداد ۱۳۷۵، در ضمن قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات بازدارنده)، بحث درباره جرائم رشوه و ارتشاء مطرح‌شده است. تعریف جرم ارتشاء از دیدگاه قانون‌گذار به شرح زیر است:

۱. بند دهم ماده‌واحد ممتم قانون دیوان جزای اعمال دولتی مصوب ۱۳۰۸، رشوه اخذ وجه یا مال یا اخذ سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی است که از طرف مستخدم دولتی یا مملکتی یا بلدی برای انجام یا عدم انجام امری که مربوط است به تشکیلات قضایی واداری دولت یا ادارات مملکتی یا بلدی خواه انجام یا عدم انجام آن امر، مربوط به کار اداری یکی از مستخدمان دیگر دولت یا ادارات مملکتی یا بلدی باشد یا نباشد. اخذ وجه یا مال یا سند به ترتیب فوق‌الذکر، ارتشاء است؛ خواه مستقیماً به‌عمل آمده باشد و خواه به‌طور غیرمستقیم و مأموری که اخذ وجه یا مال یا سند کرده، مرتشی است؛ خواه رسمی باشد و خواه غیررسمی، خواه در انجام یا عدم انجام امری که وعده داده است، مبادرت کرده یا نکرده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۸).

۲. در ماده ۶۵ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲، در تعریف ماهیت جرم ارتشاء مقرر شده است: هر یک از مستخدمین و مأمورین مشاغل رسمی، اعم از قضایی و اداری یا شوراها و شهرداری‌ها یا نهادهای، برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به تشکیلات قضایی و اداری یا شوراها و شهرداری‌ها و نهادهای است، وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را قبول نماید، در حکم مرتشی است؛ خواه انجام یا عدم انجام آن امر مربوط به کار اداری شخصی باشد و خواه مربوط به کار اداری یکی از

مستخدمین دیگر، قبول آن مستقیماً به عمل آمده باشد، یا غیرمستقیم؛ خواه مأمور رسمی باشد یا غیررسمی و خواه در انجام یا عدم انجام امری که برای آن چیزی گرفته، واقعاً مؤثر بوده یا نبوده و خواه اقدام به انجام یا عدم انجام امری که وعده داده است، کرده یا نکرده باشد. علاوه بر تأدیه آنچه گرفته است، به انفصال دائم از شغل و به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد. (مجموعه قوانین جزایی/ غلامعلی حجتی اشرفی - گنج دانش).

۳. وفق ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۱۰/۱۸، هر یک از مستخدمین و مأموران دولتی، اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های وابسته به دولت یا مأمورین به خدمات عمومی، خواه رسمی یا غیررسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور است، وجه مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید، در حکم مرتشی است، اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آن‌ها بوده یا آنکه مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد؛ خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد یا آنکه در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد.

۴. ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی نیز همسو با ماده ۳ قانون تشدید مجازات اسلامی مصوب ۶۷ است. در مقام تحلیل و بررسی، ماهیت قوانین جزایی در خصوص جرم ارتشاء که هر از چند گاهی باعث تصویب قانون شدیدتر نسبت به قوانین قبل می‌شود، بیانگر گسترش این بزه اجتماعی بوده و علاوه بر تشدید مجازات جرم رشوه و ارتشاء، قلمرو شمول قانون نیز توسعه بیشتری پیدا کرده است. به گونه‌ای که در مقایسه با ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۶۲ با قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس و ارتشاء

در ماده ۳ این قانون مصوب ۱۳۶۷/۱۰/۱۶ می‌توان گفت، ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس و ارتشاء مصوب سال ۶۷، علاوه بر شهرداری‌ها و کارمندان دولتی و قضایی و... نیروهای مسلح را نیز در بر گرفته و همچنین قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۶ در ماده ۵۸۸ داوران و ممیزان و کارشناسان، اعم از رسمی یا غیررسمی که توسط دادگاه تعیین شده باشد یا توسط طرفین نیز مشمول این قانون قرار داده است که در قانون تشدید مجازات ماده ۳ به آن اشاره نشده است. البته امروز کار دادگاه و رویه بر اساس قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس و ارتشاء، مصوب سال ۱۳۶۷ است و می‌توان به صراحت گفت، قانون مجازات اسلامی اخیرالتصویب با قانون تشدید مجازات اسلامی، مکمل همدیگر در بررسی جرم هستند.

مجازات مرتکبان جرم ارتشاء، باگذشت زمان شدید و شدیدتر شده است و این شدت و افزایش، نشان می‌دهد که جرم مذکور همواره و متأسفانه در حال گسترش بوده است. مجازات بنا به مقام و موقعیت و درجه مأموران دولتی و حکومتی و همچنین شدت و ضعف جرم ارتكابی به لحاظ مبلغ و حدود تخلف تعیین شده است که برای بررسی دقیق‌تر، باید به مواد مربوطه مراجعه کرد. انواع این مجازات در قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس و ارتشاء (ماده ۳ و ۴) و قانون مجازات اسلامی مواد ۵۸۸ و ۵۹۲ پیش‌بینی شده که عبارت‌اند از: زدن شلاق، جریمه نقدی، اخذ مال مأخوذه، مصادره اموال مذکور به نفع دولت، حبس از شش ماه تا ۱۵ سال یا حبس ابد، انفصال از مشاغل دولتی و عمومی و در برخی موارد که مربوط به برهم زدن نظم اقتصادی جامعه است یا اهمیت جرم بسیار بالاست، حتی مجازات اعدام نیز در نظر گرفته شده است. البته در این صورت، ممکن است عنوان جرم تغییر یافته و بانام دیگری مثل افساد فی‌الارض به مجازات گیرنده یا گیرندگان اقدام شود. این مجازات در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء مصوب ۱۳۶۷/۱۰/۱۸ مشهود است. البته این شدت مجازات

به خاطر کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری، در نظم جامعه و نظام اقتصادی اخلال کنند، اعمال خواهد شد.

همچنین شروع به جرم تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء مصوب سال ۱۳۶۷ و همچنین ماده ۵۹۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ از مجازات شروع به جرم سخن گفته بود. ماده ۵۹۴ ق.م.ا. مقرر می‌داشت، مجازات شروع به عمل ارتشاء در هر مورد، حداقل مجازات مقرر در آن مورد است. شروع به جرم ارتشاء به این صورت، قابل تصور است که مثلاً شخص گیرنده مال یا وجه یا سند، پیش از اقدام به انجام فعل یا ترک فعل که متعهد شده و پیش از به ثمر رسیدن جرم در حال اخذ و تحویل گرفتن مورد ارتشاء، دستگیر شود و با این اقدام، جرم عقیم بماند؛ اما لازم به ذکر است که مقنن در سال ۱۳۹۹ پس از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و بنا بر علل گوناگونی مانند ضرورت بازنگری در مجازات، کاهش جمعیت زندان‌ها و کاستن از هزینه‌های عمومی مرتبط با اداره زندانیان، در حرکتی عجولانه که البته دارای برخی مزایا و محاسنی نیز است با فوریت مبادرت به تصویب قانون فوق‌الذکر نمود که این اقدام به افزایش جرائم قابل‌گذشت و قابل تعلیق و نیز کاهش کم‌سابقه جرائم تعزیری قابل‌گذشت منجر شد. از این رو به موجب قانون مزبور، کلیه جرائم خاص شروع به جرم آن‌ها منسوخ گشته و می‌بایست به ماده ۱۲۲ رجوع شود (به استثناء جرائم مواد مخدر).

اما مقوله دیگری از ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاه‌برداری مصوب ۱۳۶۷ بر طبق ماده ۳، چنانچه مرتشی، وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را قبول کند، در بیان مجازات قیدشده، در صورتی که قیمت مال، وجه مأخوذ بیش از بیست هزار ریال نباشد، به مجازات محکوم می‌شود. عده‌ای عقیده دارند، قبول سند پرداخت وجه یا سند تسلیم مال، نوعی اخذ مال است. به‌عنوان مثال، اگر

مستخدم برای انجام امری، حواله تحویل یک دستگاه موتورسیکلت را از راشی قبول کند، مثل این است که موتورسیکلت را دریافت کرده و فرقی بین اخذ مستقیم وجه یا مال با اخذ سند مربوط به مال یا تسلیم آن نیست. به عنوان تعدیل نظر فوق، باید گفت: از آنجایی که غایت مطلوب مرتشی، دسترسی به وجه یا مال است و سهولت در اخذ بعضی اموال ایجاب می‌کند، سند تحویل آن را پیش‌تر اخذ نماید، صرفاً از این جهت که دور از محیط اداری به مال دسترسی پیدا کند، حواله آن را قبول نماید و اصل بر این است که او با قبول سند اصل مال را تحویل می‌گیرد. یعنی پس از قبول حواله یا سند تسلیم مال به محل وقوع مال، مراجعه و آن را اخذ می‌کند و به اعتبار این اخذ مال است که مرتشی است، نه به اعتبار اخذ حواله تحویل مال و چنانچه به پاراگراف دوم ماده در بخش بیان مجازات دقت کنیم، اشاره دارد به وجه مال یا مال مأخوذ و هیچ اشاره‌ای به سند پرداخت وجه یا تسلیم مال ندارد. زیرا قانون‌گذار، فرض را بر این گذاشته که بزهکار پس از اخذ سند وجه، یا تسلیم مال، اصل وجه یا مال را با مراجعه به محل مال دریافت کرده، چراکه غایت مطلوب او دسترسی به همان مال است، چون قبول وجه یا مال در حقیقت اخذ مال است. لذا به محض قبول وجه یا مال، اخذ مال محقق شده است. ولی اگر سند قبول شده، منجر به اخذ مال نگردد، ارتشاء محقق نیست و به همین جهت است که قانون‌گذار در قسمت مجازات، اعلام نموده، چنانچه قیمت وجه یا مال مأخوذ... باشد. زیرا اگر بنا بود، صرف قبول سند پرداخت وجه ارتشاء باشد، قانون‌گذار در بخش بیان مجازات به آن اشاره می‌نمود. در خصوص مبحث مربوطه استعلامی از اداره حقوقی در مجموعه نظرات مشورتی آن اداره نیست.

رشا و ارتشاء خصوصی در حقوق ایران

بآنکه همچنان ارتشاء مقامات عمومی یکی از اشکال عمده فساد در سطح جهان به شمار می‌آید، نباید از نظر دور داشت که ارتشاء مقامات خصوصی، همان‌طور که از عنوان

آن برمی آید، بر دخالت هیچ‌گونه مقام دولتی به واسطه دولتی بودن آن دلالت نمی‌نماید. البته این امر بدان معنا نیست که مقام دولتی نمی‌تواند مرتکب ارتشاء خصوصی شود، چراکه به‌عنوان یک شخص حقیقی، امکان وقوع ارتشاء خصوصی توسط این مقامات نیز وجود خواهد داشت. از دید تطبیقی، در نظام حقوقی کامن لا ارتشاء خصوصی عبارت است از: دریافت عوض توسط یک کارمند یا عامل یک شرکت بدون اطلاع دادن به مافوق مبنی بر عوض داده‌شده به‌طوری‌که بر روند تصمیم‌گیری تأثیر نامطلوب داشته باشد (Callmann, 1968,491).

باید توجه داشت که در ارتشاء خصوصی، مرتشی با این قصد که عامل یا کارمند شرکتی را به اقدام به نفع خود به‌جای مدیرش ترغیب نماید، مبادرت به پرداخت رشوه به او می‌نماید. عاملی که رشوه می‌پذیرد تکلیف قراردادی وفاداری به مدیرش را نقض کرده و از اعتماد و وفاداری مدیرش به‌واسطه منفعت اقتصادی‌اش سوءاستفاده می‌نماید. از جمله جنبه جهانی حقوق قراردادها این است که عواملی که مبادرت به اخذ رشوه می‌نمایند تکلیف کلی صداقت (و امانت‌داری) را در ارتباط با امور و کسب‌وکار مدیران خود نقض نموده و با دریافت رشوه به مدیران خود آسیب وارد می‌نمایند. بدیهی است این مدیران نیز زمانی که کارمندان آن‌ها مبادرت به اخذ رشوه می‌نمایند با خسارت‌های قابل توجه اقتصادی مواجه می‌شوند. ارتشاء خصوصی همچنین از طریق آثار ضد رقابتی که ایجاد می‌نماید، به بخش خصوصی و عمومی آسیب وارد می‌کند. از دید تطبیقی، بسیاری از کشورهای اروپایی، چین، روسیه و سایر اعضای سازمان‌های بین‌المللی یادشده در قانون‌گذاری‌های داخلی خویش در زمینه ارتشاء خصوصی مقرراتی را وضع نموده‌اند که به‌موجب آن، هم از منظر اخلاق عمومی و هم از جهت نظم عمومی این‌گونه ارتشاء در معرض خطر قرار می‌گیرد. باین‌حال، ارتشاء خصوصی فراملی احتمالاً مهم‌ترین جنبه از ارتشاء است که از سوی قانون‌گذاری‌های داخلی و منطقه‌ای نادیده انگاشته شده است (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۴۹).

بسیاری از کشورها در تدوین و اجرای قوانین کیفری ناظر بر ارتشای خصوصی، به اصل سرزمینی بودن پایبند بوده و بنابراین در صورت ارتکاب جرائم با ماهیت بین‌المللی در قلمروی سرزمینشان نیز خود را صالح به رسیدگی می‌دانند. در این میان، قانون‌گذاری بریتانیا پیشرفت بیشتری را نشان می‌دهد؛ رویکرد اخیر این کشور در قانون ۲۰۱۰ ارتشاء بیانگر رویکرد سخت‌گیرانه قانون‌گذار بریتانیایی نسبت به رشا و ارتشاء در بخش خصوصی است. قانون اخیر که قطعاً می‌توان آن را جامع‌ترین قانون در زمینه مبارزه با فساد دانست بر طیف وسیعی از جرائم فساد از جمله ارتشاء خصوصی در سطح داخلی و فراملی متمرکز است. در حقوق ایران مقرره‌ای که ممنوعیت گونه ویژه‌ای از رشا و ارتشاء خصوصی را پیش‌بینی کرده ماده ۵۸۸ ق.م.ا. ۱۳۷۵ است.

به‌موجب این ماده: هر یک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از این‌که توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهارنظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به‌عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد. از این ماده چنین برداشت می‌شود که داوران، ممیزان (ارزیابان مالی و غیرمالی) و کارشناسان به اعتبار اینکه ارائه‌کننده خدمات عمومی هستند مکلف‌اند در چارچوب مقررت مربوط و با دریافت حق‌الزحمه به میزان تعرفه قانونی، کاری را که به آن‌ها واگذار شده انجام دهند و در صورتی که وجه یا مالی را مازاد بر تعرفه قانونی از اصحاب دعوا اخذ کنند، اقدام آنان و مؤدی مشمول ماده مزبور خواهد شد. به‌جز این در هیچ‌یک از مقررت دیگر مربوط به رشا و ارتشاء صریحاً از کارکنان و کارمندان بخش خصوصی به‌عنوان کسانی که ممکن است در معرض دریافت و پرداخت رشوه قرار گیرند نام‌برده نشده است (اشرافی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۷۳).

البته در متون قانونی، همواره از مأموران به خدمات عمومی به‌عنوان دسته ویژه‌ای از کارکنان و کارمندان یاد شده که درباره شمول آن‌ها بر کارکنان و کارمندان بخش خصوصی تردید و ابهام زیادی وجود دارد. بر اساس مقررات جاری، جرم رشوه در صورتی محقق می‌شود که مرتشی یا گیرنده رشوه یکی از کارکنان دولت یا نهادهای عمومی باشد. عبارت مندرج در ماده ۳ قانون تشدید از این قرار است: هر یک از مستخدمان و مأموران دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری یا نهادهای انقلابی و به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت و یا مأموران به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی و در ماده ۵۹۲ ق.م.ا. ۱۳۷۵ به اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری ارجاع شده است.

این ابهام و تردیدی تا جایی است که اداره کل حقوقی قوه قضائیه نظرات مشورتی دوگانه‌ای را در این زمینه ارائه کرده است. برای نمونه، این اداره در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۳۶۳/۹۹ مورخ ۲۵/۹/۱۳۹۹ در پاسخ به استعلامی چنین بیان داشته است: ۱. کارکنان شرکت‌های خصوصی طرف قرارداد با دستگاه‌های اجرایی از جمله شرکت‌های دولتی که در دستگاه‌های اجرایی در استخدام شرکت خصوصی بوده‌اند، عهده‌دار انجام تعهدات شرکت‌های یاد شده در امور موضوع قرارداد هستند، با لحاظ مواد ۵، ۱۷ و ۱۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی، مستخدم دستگاه اجرایی محسوب نمی‌شوند؛

بنابراین در فرض استعلام، کارکنان شرکت خصوصی طرف قرارداد با شرکت دولتی یا دیگر دستگاه‌های اجرایی از مصادیق اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ نمی‌باشند. بدیهی است در صورت تطبیق رفتار مرتکب کارکنان شرکت‌های خصوصی فوق‌الذکر با مقررات ماده ۳

قانون اخیرالذکر، مرتکب مطابق ماده ۳ یادشده قابل تعقیب و مجازات خواهد بود. با توجه به پاسخ سؤال یک، پاسخ به این سؤال منتفی است. ۲. این اداره به فاصله پنج روز در پاسخ به استعلام دیگری، طبق نظریه شماره ۱۳۳۷/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۹۰/۳۰ این گونه اظهار نظر کرده است: ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، از مأموران به خدمات عمومی (رسمی یا غیررسمی) نیز نام برده است و طبق ماده واحده قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور، دهیاری‌ها دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و جزء نهادهای عمومی غیردولتی محسوب شده‌اند و با لحاظ ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور و ماده ۳۰ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی عهده‌دار خدمات عمومی هستند و افرادی که در این مؤسسات یا نهادهای عمومی مشغول فعالیت‌اند (اعم از رسمی یا غیررسمی)، مأمور به خدمات عمومی محسوب می‌شوند و در نتیجه کارکنان دهیاری‌ها نیز که در چنین نهادی فعالیت می‌کنند، مأمور به خدمات عمومی بوده و در صورت دریافت وجه یا مالی در قبال انجام کار در اجرای وظایف قانونی و مربوط به آن، رفتار ارتكابی وی ممکن است مشمول مقررات ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری شود و به هر حال تشخیص و تطبیق عمل ارتكابی با مواد قانونی به عهده قاضی رسیدگی کننده است.

همان‌طور که می‌بینیم در نظریه نخست به عدم شمول ماده ۳ قانون تشدید بر کارکنان بخش خصوصی اظهار نظر شده و در نظریه دوم برخلاف آن در این باره پاسخ داده شده است. بدیهی است این اختلاف نظر از آنجا ناشی می‌شود که موضع قانون‌گذار در این باره روشن نیست، به‌ویژه وقتی به پیشینه و تحوّل قانون‌گذاری توجه کنیم، این تردید و ابهام افزون‌تر خواهد شد. از این دید، از سال ۱۳۱۵ که قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی تصویب شد و در متون قانونی مربوط به جرائم اداری، از جمله ارتشاء و اختلاس، عبارت مأمورین به خدمات عمومی اضافه گردید، جای

این پرسش بوده که منظور از مأمورین به خدمات عمومی چیست؟ و کدام دسته از کارکنان مؤسسات عمومی غیردولتی را شامل می‌شود؟ این ابهام با نسخ قانون یادشده افزون‌تر شده است. به عبارت روشن‌تر، قانون‌گذار با به‌کارگیری عبارت مأمورین به خدمات عمومی تا اندازه‌ای دایره شمول مقررات ارتشاء را توسعه داده، ولی نمی‌توان بر این باور بود که حکم مقرر در ماده ۳ قانون تشدید دست‌ها و گروه‌های مختلف کارکنان و کارمندان بخش‌های خصوصی را در برمی‌گیرد. پس با آنکه قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی نسخ شده و امکان ارائه تفسیر موسع از مأمورین به خدمات عمومی بیش‌ازپیش فراهم آمده، هنوز ابهام و تردید در این زمینه باقی است و مراجع قضایی نمی‌توانند تفسیر قابل قبولی را برای این منظور ارائه کنند. بدین ترتیب، چاره‌جویی قانونی در این زمینه نه تنها برای تعیین تکلیف درباره رشا و ارتشاء خصوصی ضرورت دارد و مشکل را برای این منظور برطرف می‌سازد، بلکه از جهت تسری حکم سایر جرائم اداری به رفتارهای ارتكابی در بخش‌های خصوصی نیز تکلیف روشن خواهد شد.

ضرورت تسری مجازات مرتشی به بخش‌های غیردولتی

تعیین مجازات فقط برای کارکنان و مقامات دولتی در قوانین جزایی، باعث شده است که افراد مشغول به کار در بخش‌های غیردولتی و خصوصی به‌عنوان متهمان ارتشا در دستگاه‌های قضایی شناخته نشوند. با توجه به نقش بسیار مهم بخش غیردولتی در اقتصاد جامعه، اصلاح قوانین جزایی از این جهت ضروری به نظر می‌رسد. برای تشخیص جرم رشوه در قوانین کنونی، شرط لازم است که متهم یا گیرنده رشوه یکی از کارکنان دولت یا نهادهای عمومی باشد. در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری که در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۶۷ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است، اشخاص زیر به‌عنوان متهمان آورده شده‌اند: هر یک از کارکنان و

مقامات دولتی شامل قوه قضاییه، شوراها، شهرداری، نهادهای انقلابی و به‌طور کلی نیروهای مسلح، شرکت‌های دولتی و سازمان‌های دولتی وابسته به دولت و یا کارکنان خدمات عمومی به‌صورت رسمی یا غیررسمی.

علاوه بر این، برخی از مواد فصل یازدهم قانون مجازات اسلامی، به بعضی از این افراد نیز اشاره داشته است. به‌عنوان مثال، در ماده ۵۹۸ از این قانون، به حکام محاکم اشاره شده است و در ماده ۵۹۰ نیز به کارکنان دولتی شامل قوه قضاییه واداری اشاره شده است. در نهایت، در ماده ۵۹۲ نیز به اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری ارجاع داده شده است.

از تمامی تعاریف فوق نتیجه می‌گیریم که قانون‌گذار به‌منظور حفظ منافع دولت، اموال عمومی و سلامت دستگاه‌های دولتی، قضایی و نهادهای عمومی، اقدامات سخت‌گیرانه‌ای را از طریق تعیین عنوان مجرمانه رشوه ضروری می‌داند و با تعیین مجازات، مبارزه با رشوه را تضمین کرده است

بدون شک، حفاظت از منافع عمومی و سلامت دستگاه‌های دولتی باید در صدر اولویت‌ها و توجهات قانون‌گذار قرار گیرد؛ اما این به معنای آن نیست که منافع و سلامت بخش‌های غیردولتی و خصوصی از توجه قانون‌گذار محروم شوند. برای مثال، در صورتی که کارمند یک شرکت تعاونی یا سهامی خاص که متعلق به سهامداران غیردولتی است، درازای دریافت وجه، امتیازاتی اضافه به پرداخت‌کننده وجه در ارائه خدمات یا فروش کالاها و مشابه آن ارائه دهد، وضعیت چگونه خواهد بود؟ در این‌گونه موارد، در صورت عدم وجود قوانین مربوط به رشوه، تنها راه مبارزه با این تخلفات، تمسک به عناوین مجرمانه دیگر مانند خیانت‌درامانت خواهد بود. همچنین، در مورد بخش‌های دولتی و عمومی نیز، اگر مقرراتی درباره رشوه وجود نداشته باشد، تنها با استفاده از عناوین مجرمانه دیگر، امکان دفاع از منافع عمومی وجود خواهد داشت؛ اما

با وضع قوانین مربوط به رشوه، قانون‌گذار به دلیل عدم کارایی قواعد خیانت‌درامانت در این‌گونه موارد، قوانین مربوط به رشوه را به‌عنوان تدابیری کارآمد برای مقابله با این تخلفات پیش‌بینی نموده است.

درست است که عناصر لازم برای تحقق خیانت‌درامانت ایجاب می‌کند که مال یا سند بر ضرر صاحب‌مال استعمال یا تلف یا مفقودشده باشد؛ اما در مصادیق رشوه، این وضعیت همیشه رخ نمی‌دهد. درواقع، رشوه می‌تواند به‌صورت ارائه و یا دریافت وجه، هدیه، خدمات و مزایا به‌منظور تأمین مزایای غیرقانونی یا تحقق منافع شخصی صورت گیرد. در این حالت، عنصر تلف یا ضرر به مال صاحب‌مال وجود ندارد. به همین دلیل، ضرورت وضع جرم ارتشا به‌طور جداگانه توسط قانون‌گذار ایجادشده است تا دستگاه قضایی در مبارزه با این نوع فساد و حفظ سلامت دولت در برابر خطای کارکنان فعال‌تر باشد. این اقدام به قانون‌گذار امکان می‌دهد تا به‌طور مستقیم در مورد رشوه و تخلفات مربوطه تصمیم‌گیری کند.

اما این وضعیت در مورد شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی بخش‌های تعاونی و خصوصی کشور نیز به وجود می‌آید. امروزه، دولت بسیاری از امور را به بخش‌های خصوصی و تعاونی منتقل کرده است و این بخش‌ها نیز متعهد به رعایت قوانین مربوطه خود هستند. به‌عنوان مثال، اگر شرکت‌های تعاونی یا بخش خصوصی به واردات کالاهای اساسی با استفاده از یارانه‌های دولتی بپردازند، دستگاه‌های دولتی آن‌ها را متعهد می‌سازند که توزیع کالا را بر اساس شیوه‌موردنظر دولت انجام دهند. همچنین، اگر کالای تولیدی شرکت در ردیف کالاهای مشمول سبب حمایتی دولت و تابع مقررات خاصی در قیمت‌گذاری و توزیع باشد، شرکت متعهد به رعایت ضوابط خاصی در قیمت و فروش خواهد بود.

حال فرض کنید که کارمند فروش یکی از کارخانه‌ها تولید سیمان، برخلاف نظر سهامداران و مدیران شرکت و با دریافت وجه از یکی از مشتریان، به طریقی غیر از شیوه تعهد شرکت، کالا را به فروش برساند و مثلاً ترتیب یا نوبت را رعایت نکند و در نتیجه شرکت متعهد به نقض تعهدات خود در برابر مقررات یا دستگاه دولتی مربوطه شود و به اعتبار آن خدشه وارد شود. در این حالت، سؤال این است که عنوان اتهام انتسابی چه خواهد بود؟ شمول خیانت‌درامانت برای چنین رفتاری بسیار دشوار است، زیرا عمل کارمند معمولاً منجر به تصاحب یا تلف یا مفقود شدن مالی از شرکت نمی‌شود و البته عدم شمول مقررات ارتشا بر این مورد، تعقیب آن را دشوارتر می‌کند.

در صورتی که کارمندان یا شرکت‌ها در بخش خصوصی و تعاونی به‌طور عامدانه قوانین را نقض کنند، می‌توان از مکانیسم‌های حقوقی و قضایی برای تعقیب و مجازات آن‌ها استفاده کرد. این مکانیسم‌ها باید بر اساس قوانین و مقررات دقیق تعیین شده باشند که رفتارهای مورد نقض را تشخیص داده و عواقب آن‌ها را تعیین کنند. به‌عنوان مثال، قوانین و مقررات می‌توانند تخلفات مدیریتی، رفتار غیراخلاقی، یا نقض تعهدات قراردادی را به‌عنوان جرائم محسوب کنند و تعیین‌کننده عواقب حقوقی برای آن‌ها باشند.

در این صورت، کارمندی که به این‌گونه رفتارها مشغول شود، می‌تواند به‌عنوان متخلف مدیریتی یا نقض‌کننده تعهدات قراردادی مورد تعقیب قرار بگیرد. نظارت دولتی نیز می‌تواند از طریق ساماندهی مناسب و اجرای قوانین صحیح، تضمین رعایت قوانین و مقررات را در بخش خصوصی و تعاونی فراهم کند. برای دقت بیشتر، لازم است قوانین و مقررات دقیق‌تری تعیین شود. این ضوابط و مقررات باید به‌اندازه کافی جامع و شفاف باشند تا از زیان‌رسانی به شرکت‌ها و جامعه جلوگیری شود و درعین حال حقوق و منافع طرف‌های معتبر را حفظ کنند.

دولت می‌تواند با ایجاد نهادها و سازوکارهای قانونی مناسب، نظارت و کنترل بر شرکت‌ها را انجام دهد و در صورت تخلف، از راهکارهای حقوقی و قضایی استفاده کند. این راهکارها می‌توانند شامل جرائم مالی، تحریم‌ها، جریمه‌های مالی، محرومیت از فعالیت‌های تجاری، یا حتی تعلیق یا لغو مجوزهای فعالیت باشند. به‌طور کلی، تضمین رعایت قوانین و مقررات در بخش خصوصی و تعاونی نیازمند همکاری بین دولت و نهادهای مربوطه است. ایجاد قوانین دقیق و مکانیسم‌های نظارتی، ساماندهی مناسب و اجرای قوانین صحیح می‌تواند به دستاوردهای این همکاری منجر شود. همچنین، آگاهی عمومی درباره حقوق و وظایف در بخش خصوصی و تعاونی نیز باعث افزایش پایبندی به قوانین و مقررات می‌گردد.

تعهدات شرکت‌های تعاونی و خصوصی در قوانین و مقررات کشور، نه‌تنها محدود به تجارت و توزیع کالاهای یارانه‌ای نمی‌شود، بلکه بسیاری از قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌های غیردولتی، از جمله خصوصی و تعاونی و حتی اصناف، تعهدات و قواعد بسیاری را برای آنها تعیین کرده است. به‌عنوان مثال، در بخش‌های مختلفی مانند امور پزشکی و بهداشتی، امور اعتباری و بانکی، تجارت و شرکت‌های بازرگانی، صنعت و معدن، قوانین و مقررات وسیعی وجود دارد. این قوانین و مقررات به شرکت‌های خصوصی، تعاونی و اصناف، نه‌تنها در حوزه تعهدات تجاری و توزیع کالاهای یارانه‌ای محدود نمی‌شوند، بلکه موارد دیگری نیز شامل می‌شوند که اگر صاحبان و مدیران این شرکت‌ها در برابر خطر رشوه‌خواری کارکنان خود مورد حمایت قانون‌گذار قرار نگیرند، انجام تعهدات برای آنها دشوار و حتی در برخی موارد خارج از توان و کنترل آنها خواهد بود.

خصوصاً این‌که در شرایط کنونی که سیاست دولت بر توسعه بخش خصوصی و کاستن از تصدی‌گری دولت تمرکز دارد، ضرورت توجه به سلامت کارکرد شرکت‌ها و مؤسسات

خصوصی بیش‌ازپیش مشخص می‌شود. این موضوع برای ما این سؤال را مطرح می‌کند که آیا نباید سلامت عملکرد این شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی همچون دستگاه‌های دولتی مورد توجه و تضمین قرار گیرد و در برخی قوانین مربوط به ارتشا جای بگیرند؟ به‌عنوان مثال، وزارت دارایی یک شرکت حسابرسی را مورد اعتماد قرار داده و تشخیص مالیات شرکت‌ها را از سوی آن پذیرفته است تا جایی که انتظار می‌رود با سلامت کامل، وظایف حرفه‌ای خود را انجام دهد؛ بنابراین، مدیران این شرکت و دستگاه قضایی باید قادر باشند در صورتی که یکی از کارکنان یا کارشناسان این شرکت در برابر دریافت وجه اقدام به گزارش نادرستی از حساب‌های شرکت مورد بررسی کرد و منافع عمومی و بهره‌وری شرکت را با تضرر مواجه ساخت، بدون هیچ‌گونه تردید کارمند خاطی را تحت تعقیب کیفری قرار دهند، مانند آنچه در مورد کارمند وزارت دارایی در حال حاضر اتفاق می‌افتد.

در شرایط فعلی، ممکن است مقررات قانونی امکان تحقق این ایده را فراهم نسازند. به‌عنوان مثال، اگر شرکت حسابرسی مذکور در مثال فوق، کارمند خود را به اتهام خیانت‌درامانت تعقیب کند، در حال حاضر با حکم براءت او از سوی دادگاه مواجه خواهد شد و ممکن است اعتبار شرکت شاکی در این اتهام مورد تردید قرار گیرد. با این حال، این مسئله نشان می‌دهد که نیازمند تلاش بیشتری برای ایجاد قوانین و ضوابط مناسب است تا این‌گونه موارد بتوانند به‌درستی مورد بررسی قرار گیرند و عدالت به اجرا درآید. این ممکن است شامل بهبود سیستم قضایی و تدابیر قانونی جهت تحقیقات کیفری و پیگیری تخلفات در شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی باشد.

علاوه بر این، ارتقاء نظارت و کنترل بر شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی نیز ضروری است. برای مثال، می‌توان تشدید نظارت و حسابرسی مستقل بر عملکرد شرکت‌ها و بررسی دقیق تراکنش‌های مالی آن‌ها را مورد نیاز قرارداد. همچنین، ایجاد مکانیسم‌هایی برای

گزارش تخلفات و رفتارهای نادرست در شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی نیز اهمیت دارد. به‌طور کلی، برای تضمین سلامت عملکرد شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی، نیازمند تلاش و توسعه قوانین و دستگاه‌های مناسبی هستیم که به عدالت و شفافیت در بررسی تخلفات در این بخش اهتمام ورزند.

نتیجه‌گیری

بدون شک، رشوه یکی از نمونه‌های ظلم و ستم است و افرادی که برای رسیدن به مقاصد نامشروع خود به رشوه متوسل می‌شوند، در نظر عموم مطرود هستند. آیات قرآن کریم و روایات معصومین به‌وضوح به حرمت رشوه اشاره می‌کنند و این حرمت، توافق علماء و استدلال عقلی را نیز داراست. حرمت رشوه مختص به قضاوت نیست و به هر نوع شغل و منصبی اعمال می‌شود. این موضوع عمومی است و هر نوع تعهد (مالی و غیرمالی) را که به انتفاع شخصی منجر گردیده را شامل می‌شود. در اسلام، رشوه به‌عنوان یک عمل غیرقانونی و ناسازگار با اصول اخلاقی محکوم شده است. رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) به‌طور گسترده از رشوه انتقاد کرده‌اند و توصیه‌های فراوانی برای پیشگیری از آن ارائه نموده‌اند. علاوه بر این، در قرآن کریم نیز به احکام متعددی درباره رشوه اشاره شده است.

از آنجاکه رشوه با اصول عدالت، انصاف و شفافیت در تصمیم‌گیری در تضاد است، برای جلوگیری از این پدیده، نیازمند تدابیر قانونی و اجتماعی هستیم. این تدابیر می‌توانند شامل قوانین سخت‌گیرانه‌تر در خصوص مبارزه با رشوه، تقویت نظارت و کنترل، ارتقاء آگاهی عمومی درباره ضررهای رشوه و ترویج اخلاقیات برای جلوگیری از آن باشند.

دولت و نهادهای مختلف در کشورها در کنترل جرائم اقتصادی باهم همکاری می‌کنند تا فساد را کاهش داده و جرم را متوقف سازند. جرائم اقتصادی قابل‌کنترل هستند.

بررسی قوانین و مقررات مرتبط با ارتشا در کشور نشان می‌دهد که واکنش قانونی در رابطه با این جرائم بیشتر به سمت برخورد کیفری و تحمیل مجازات سنگین است. این موضوع در دستورالعمل‌های اخیر رئیس قوه قضائیه که پس از اذن مقام معظم رهبری صادر شده است، مشخص شده است. البته، به جز تدابیر قانونی قهرآمیز، روش‌های غیر کیفری و غیر قهرآمیز نیز توسط نهادهای مسئول می‌توانند در کاهش جرائم اقتصادی، به‌ویژه ارتشا، مؤثر باشند که البته در کشور ما، کمتر در این مورد چاره‌اندیشی شده است.

علاوه بر این، صرفاً کارمندان و مأموران دولتی در قوانین ما به‌عنوان مرتشی قابل تعقیب شناخته شده‌اند که این امر منجر به عدم تعقیب کارکنان بخش‌های غیردولتی و خصوصی به‌عنوان مرتشیان در مراجع قضایی می‌شود. با توجه به نوع وظایفی که به این بخش‌ها واگذار می‌شود و البته نقش آن‌ها در اقتصاد جامعه، لازم است قوانین در این زمینه اصلاح شوند. با گسترش بخش‌های خصوصی، میزان فساد مالی و ارتکاب جرائم رشوه افزایش یافته است. همان‌طور که در کنوانسیون‌های بین‌المللی تأکید شده است، ضرورت دارد که در ایران نیز این جرم شناخته‌شده و زمینه‌های ارتکاب آن شناسایی شده و راهکارهای پیشگیرانه مؤثر اعمال شود.

در حقیقت همان عواملی که مجاب‌کننده قانون‌گذار به جرم انگاری در بخش دولتی بوده است، امروزه در بخش خصوصی نیز به چشم می‌خورد. امروزه شخصیت‌های حقوقی به‌عنوان واقعیات عینی جامعه محسوب می‌شوند و تأثیرات عملکرد آن‌ها در امورات اجتماعی و اقتصادی محسوس است و اگر بازتاب منفی اختلال در عملکرد آن‌ها در سطوح مختلف جامعه نسبت به اشخاص حقیقی زیادتر نباشد، کمتر نیست از این‌رو ضرورت قانون‌گذاری مؤثر نسبت به این موضوع غیرقابل انکار است.

منابع

۱. اشرافی، ارسلان، ایروانیان، امیر، هوشیار، مهدی، رشا و ارتشاء خصوصی در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران، فصلنامه علمی پژوهش حقوق کیفری دوره ۱۰، شماره ۳۶، ۱۴۰۰.
۲. ابن منظور، محمد، لسان العرب، دارالحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
۳. تبشیری، حمیدرضا، آهنگری، بهزاد، واکاوی بزه ارتشاء در ساختار اداری دولت مدرن در ایران با تأکید بر آراء امیل دورکهایم، فصلنامه حقوق اداری، سال نهم، شماره ۳۱، ۱۴۰۱.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸.
۵. حسینی، سید حسین، نگرشی تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در دستگاه‌های حقوقی فرانسه، ایتالیا، سوئیس و چین، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۶، ۱۳۸۳.
۶. ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، انتشارات جنگل جاودانه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۰.
۷. صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳ و ۳۴، ۱۳۸۰.
۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، دارالفکر، بیروت، ۱۳۶۲.
۹. عمید، حسن، فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر وابسته به سازمان تبلیغاتی اسلامی، تهران، ۱۳۶۴.
۱۰. میرمحمد صادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، انتشارات میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۱.
۱۱. ملازمیان، محمد مسعود، سیاست جنایی تقنینی ایران در جرائم اقتصادی، پایان کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ۱۳۸۶.

**Examining the weak points and ineffectiveness of the legislative system
in facing the phenomenon of embezzlement**

Mohammad Sajjad Nasiri¹

Received:2023/02/02 Accepted:2023/04/22

Abstract

Bribery and bribery crimes are among the most prominent economic crimes and corruptions. These crimes, in addition to removing the economic dimension, have caused innumerable injuries and damages to the economic system, healthy and free competition, and they also affect the aspects of security and public peace, and harm public trust in the government and government institutions. Bribery is one of the outstanding administrative crimes. To deal with this crime, like fighting any other disease, the cause of corruption should be identified and appropriate measures should be taken to eradicate it. One of the main causes of bribery is the existence of problems and weaknesses in the legal system, and this study seeks to prove the existence of a connection between the two. The occurrence of bribery in administrative organizations due to the defects and weaknesses observed in the legislative system can be attributed to factors such as the lack of transparency of laws, the complexity of regulations, the inflation of the legal system, the incompatibility of laws with the daily needs of society, the lack of legal regulations necessary to register assets and declare them to the judiciary. , the lack of rule of law depends on the economic laws and other defects of the legislative system. In order to reduce this ominous phenomenon, it is necessary to eliminate the shortcomings and weaknesses of the legislative system and to eliminate their influence in the occurrence of bribery. The current research method, like most researches in the field of humanities, is descriptive-analytical; In this way, it uses the description and explanation of the topics related to the basic problem of the research according to the collected data and their analysis, to provide appropriate answers and achieve the research goals.

Keywords: bribery, corruption, competition, legal system, public security, economic health.

¹Master of Islamic Azad University of South Tehran. mohamadsajjad.nasiri@gmail.com